

متن پرسش

سلام استاد: ما داشتیم از حوزویا ناامید می شدیم که خدا شما رو سر راهمون گذاشت. استاد جان الان در بعضی شهرستانای کوچیک هیئتتا هیچ سخنران مناسبی ندارن. تو شهر ما از جاهای دیگه هم دعوت میکنن ولی واقعا طلبه ها سواد چندانی ندارن. یکیشون بیار اومد رو منبر داد زد گفت خانم شما شعور نداری تابلوی تو شهرتون رو بخونی که گفته حاجتو رعایت کنی؟ همون لحظه من دیدم یه دختر نوجوون که کمی موهاش پیدا بود دست کل خانوادشو گرفت و از مسجد رفت و یه چیزی به حاج آقا گفت. امسال باز یکی رو آوردن که دو ساعت جلسه بیش از یک ساعت حرف میزنه. حرفاشم منطق و سیر خاصی نداره از هر دری سخنیه. از این حاج اقا سرزنشیا. مثلا میگه رای دادی به روحانی حقته حالا اینجور شد. استاد یعنی تو جلسات اینا آدم فقط زجر میکشه. جای دیگه ای هم نیست آدم بره. بنده خودم تصمیم گرفتم بذارم سخنرانی تموم شه بعد برای مداحی برم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به همین دلیل باید در بستر حوزه‌ی علمیه حاضر شوید و اسلامی را به میان آورید که حضرت امام و رهبر معظم انقلاب مطرح می‌کنند.

از آن جایی که حضرت محمد «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» غم ملتی را می‌خوردند که در زمان جاهلیت کینه و دشمنی سراسر وجودشان را فرا گرفته بود و این حالت در سراسر جهان حاکم بود و از آن جایی که خداوند به حکم ربوبیت‌اش خواست بشریت را هدایت کند و رجوع به حقیقت را به جای دشمنی و کینه بنشانند تا انسان‌ها متوجهی گوهر وجودی خود شوند و به همدیگر محبت بورزند؛ خداوند حضرت محمد «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» را به پیامبری برگزید.

با اسلام آوردن مردم جزیره العرب صمیمیت و محبت سراسر وجود مردم را فرا گرفت [۱] ولی متأسفانه با رحلت رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» آرام آرام آن صمیمیت‌ها و ایثارها رفت و با حاکمیت بنی‌امیه کینه و دشمنی در جامعه‌ی اسلامی به اوج خود رسید. این‌جا بود که اصحاب رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به‌خصوص اهل‌البیت آن حضرت به فکر چاره بودند که چگونه تاریخ اسلام را به بستر اصلی خود برگردانند. موفق باشید

[۱] - به برخورد انصار با مهاجرین و تقسیم اموال خود با مهاجران، و یا قضیه‌ی «يُؤْتِرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهٖمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/۹) خودشان به آن آب در آن خونریزی و تشنگی نیاز داشتند، ولی دیگری را بر خود ترجیح دادند؛ نظر شود.